

## کلیات روش تفسیر آراء قضایی

دکتر ستار زرکلام\*

### چکیده

از زمان تشکیل دادگستری در ایران رویه قضایی در شکل‌گیری حقوق ایران نقش بسزایی ایفاء کرده و حقوقدانان در بیان دیدگاه‌های خود اغلب به تفسیر آرای دادگاه‌ها و دیوان عالی کشور می‌پردازند ولی روش‌های تفسیر آراء به طور خاص تاکنون مورد توجه جامعه حقوقی کشور قرار نگرفته است. به کارگیری روش‌های مناسب برای تفسیر می‌تواند در تسهیل فهم و نقد آراء قضایی مفید و مؤثر باشد. بدون تردید پیش‌شرط هرگونه تفسیری، انتخاب رأی مناسب برای تفسیر است. این انتخاب باید با توجه به اهمیت رأی در حل یک مشکل اجتماعی یا اقتصادی، رفع ابهام از مقررات قانونی یا رویه قضایی موجود و سایر معیارهای ضروری صورت گیرد. گام بعدی در تفسیر آراء خواندن دقیق آن و تهیه فیش رأی است به گونه‌ای که بتوان از آن اطلاعات ضروری برای تفسیر رأی را استخراج کرد. تفسیر رأی به لحاظ محتوایی باید از جمله متضمن عنوان تفسیر، کلمات کلیدی، مشخصات رأی مورد تفسیر، مشخصات طرفین، تشریح امور موضوعی و متن کامل یا خلاصه رأی باشد. در آنچه به تدوین تفسیر مربوط می‌شود و قضاوت مفسر در خصوص رأی مورد تفسیر را در بر دارد باید به جایگاه تصمیم در حقوق موضوعه، شایستگی رأی برای تایید یا نقد (ارزش حقوقی رأی) و اثرات حقوقی و فرامرزی رأی (قلمرو رأی) توجه شود. سرانجام تدوین تفسیر باید بر اساس پلانی علمی پاسخگوی مسائل اساسی رأی مورد تفسیر باشد.

**واژگان کلیدی:** قرائت رأی، فیش رأی، محتوای تفسیر، پلان تفسیر، شیوه تدوین تفسیر،

ارزش حقوقی رأی، قلمرو رأی

علی‌رغم گذشت بیش از یکصد سال قانونگذاری و استقرار دادگستری در ایران، روش‌های تفسیر آراء یکی از موضوعاتی است که کمترین ادبیات حقوقی در مورد آن وجود دارد. هر چند تلاش‌های ستودنی توسط برخی استادان و بزرگان حقوق ایران در زمینه توضیح و تبیین رویه قضایی صورت گرفته است ولی در چارچوب متدلوژی حقوق به ویژه مطالعه روش‌های تفسیر آراء قضایی تألیفات موجود بسیار ناچیز است به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد حقوقدانان ایرانی تاکنون فرصت پرداختن به این موضوع را پیدا نکرده‌اند.

تردید نیست که برای بهره‌برداری از رویه قضایی به عنوان یکی از منابع حقوق، تفسیر آراء<sup>۱</sup> یا «قضاوت قضاوت»، از یک سو برای فهم دقیق آنچه رأی مورد بحث به دنبال بیان، طرح و اثبات آن است و از سوی دیگر برای نقد رأی بر اساس سایر منابع حقوق (قانون، عرف، دکترین و اصول کلی حقوقی و رویه‌های قضایی پیشین) ضرورت دارد. این تفسیر بی‌تردید باید از روش‌های علمی و قابل قبول پیروی کند. مراجعه به حقوق کشورهایی که سالیان متمادی است پژوهش‌ها و تحقیقاتی را در این زمینه انجام داده‌اند نشان می‌دهد که روش یکسانی برای تفسیر و نقد آراء قضایی وجود ندارد. به عبارت دیگر نمی‌توان روش واحد و یکسانی را برای تفسیر آراء تجویز کرد. با این همه، می‌توان محورهایی را که در هر تفسیری از آراء قضایی باید مورد توجه قرار گیرد از این منابع استخراج کرد.

در این مقاله، مؤلف تلاش کرده است تا با مراجعه به منابع فرانسوی زبان، تصویر روشنی از مواردی که در حقوق فرانسه و در تفسیر آراء یا تصمیمات قضایی مورد توجه قرار می‌گیرد ارائه کند، به این امید که در تفسیر آراء توسط حقوقدانان کشور مورد توجه و استفاده قرار گیرد. بدین منظور، تفسیر آراء قضایی در سه مرحله شامل نحوه انتخاب رأی و قرائت کامل آن، تهیه فیش رأی یا مرحله مقدماتی، و تفسیر به معنای خاص صورت می‌گیرد.

## الف) انتخاب رأی و قرائت کامل آن

### ۱. انتخاب رأی موضوع تفسیر

اصولاً رأیی باید برای تفسیر انتخاب شود که از حیث پیشینه قضایی ارزشمند باشد، بدین معنا که به عنوان مثال متضمن راه‌حلی برای رفع یک مشکل اجتماعی یا اقتصادی

۱. در این مقاله عبارت «آراء» با مسامحه تصمیمات دیوان عالی کشور را هم در بر می‌گیرد.

باشد، از ابهام قانون یا رویه قضایی در زمینه خاص بکاهد و یا به غنای ادبیات حقوقی در زمینه موضوع رأی یاری رساند.<sup>۱</sup> آرائی که در ادامه ذکر می‌شود از ارزش پیشینه قضایی برخوردار است:

۱-۱. آراء دیوان عالی کشور یا دیوان عدالت اداری: تردیدی نیست که آراء دیوان عالی کشور یا دیوان عدالت اداری از حیث ارزش برای تفسیر در درجه اول اهمیت قرار دارد. با این حال، همه آراء این دو مرجع از ارزش حقوقی یکسان برای تفسیر برخوردار نیست. در این میان به ترتیب آراء وحدت رویه، آراء اصراری و آراء منجر به نقض حکم فرجام‌خواسته قرار دارد.

۱-۱-۱. آراء وحدت رویه: بدون شک آراء وحدت رویه در رده نخست اهمیت برای تفسیر قرار دارند زیرا در موقعیتی صادر می‌شوند که دادگاه‌های تالی تفسیرهای متفاوتی از یک یا چند قاعده حقوقی در مورد مشابه کرده‌اند و این اختلاف به نحوی بوده است که تصمیم‌گیری نهایی با توجه به نقشی که دیوان عالی کشور یا دیوان عدالت اداری در تضمین برابری حقوق شهروندان در مقابل قانون دارند به آنها واگذار شده است. در چنین مواردی هیأت عمومی دیوان (کشور یا عدالت اداری) با انتخاب بین تفسیرهای متفاوت راه حلی را که در حکم قانون است ارائه می‌دهد. هر چند آراء وحدت رویه همانند قانون ناظر به آتیه هستند ولی از آنجا که عملاً بر وضعیت‌های حقوقی گذشته نیز تأثیر می‌گذارد<sup>۲</sup> باید مورد تفسیر و نقادی قرار گیرد.

۱-۱-۲. آراء اصراری: این آراء که در چند رفت و برگشت بین دادگاه‌های تالی و دیوان عالی کشور صادر می‌شوند به دلیل تعدد تصمیمات و تعدد قضاتی که در مراحل مختلف در خصوص مورد اظهار نظر می‌کنند از آرائی شمرده می‌شوند که ارزش تفسیر و نقد دارند. هر چند این آراء الزام‌آور نیستند ولی گاه حاوی دیدگاه‌هایی هستند که از نگاه جامعه حقوقی جای تأمل داشته، نقد آن می‌تواند در پیشرفت حقوق مؤثر باشد.

---

۱. تفسیر آراء قضایی که توسط استاد گرامی جناب آقای دکتر ناصر کاتوزیان صورت گرفته است نمونه‌ای از انتخاب‌های مناسب برای تفسیر به شمار می‌آید به گونه‌ای که هر یک از این تفسیرها راجع به موضوعاتی است که نتایج ارزشمندی برای حقوق ایران دارد. برای ملاحظه این تفسیرها نگاه کنید به کتاب: توجیه و نقد رویه قضایی، نشر دادگستر، چاپ اول، بهار ۱۳۷۷.

2. Aque Ghestin, Gilles Goubeaux, Traité de Droit Civil, Introduction Générale, L.G.D.J., 4ème édition, 1994, p. 483. N. 518.

۱-۳. تصمیمات منجر به نقض رأی فرجام‌خواسته: از میان آرائی که توسط دیوان عالی کشور یا دیوان عدالت اداری صادر می‌شود آرائی که منجر به نقض رأی فرجام‌خواسته می‌شوند از نظر پیشینه قضایی ارزش بیشتری دارند نسبت به آرائی که رأی تالی را ابرام می‌کنند زیرا دیوان مکلف است برای نقض رأی فرجام‌خواسته دیدگاه خود را توجیه کند و آن را مدلل سازد. در میان آراء اخیر نیز ارزشمندترین آنها آرائی است که به دلیل مغایرت با قانون توسط رأی مورد اعتراض است. پس از آن آرائی مدنظر است که در آنها رأی فرجام‌خواسته به دلیل فقدان مبنای قانونی نقض می‌شوند.<sup>۱</sup>

۱-۲. آراء سایر مراجع قضایی: از آرائی که توسط دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر صادر می‌شود باید آرائی برای تفسیر انتخاب شوند که ناظر بر حل مشکلی اجتماعی یا اقتصادی است یا در موردی صادر شده‌اند که رویه قضایی تا آن زمان فرصت پرداختن به آن را نیافته است یا در زمینه‌های مورد اختلاف دادگاه‌ها یا دکترین موضع‌گیری کرده و سرانجام چرخش اساسی در رویه قضایی ایجاد کرده باشد و یا از جهت دیگری دارای ارزش پیشنهادی قضایی هستند.

۳-۳. آرای اصولی<sup>۲</sup>: منظور از این آراء که ممکن است توسط دیوان عالی کشور، دیوان عدالت اداری یا سایر مراجع قضایی صادر شوند آرائی است که با نوعی کلیت و با درجه‌ای از انتزاع همراه بوده، حاوی تصمیمات بدون ابهامی هستند که به طور روشن و صریح به مباحثه بین دو دیدگاه دارای ارزش کلی و قابل دفاع خاتمه می‌دهد.<sup>۳</sup> با این حال این آراء نباید با آراء عام یا کلی (بخشنامه‌ای)<sup>۴</sup> که ماده ۴ قانون آیین دادرسی مدنی صدور آن را منع کرده اشتباه گرفته شوند زیرا آراء اصولی بر خلاف آراء کلی متضمن وضع قاعده کلی نیست.

۲. قرائت کامل رأی: پس از انتخاب رأی مورد تفسیر گام آغازین در تفسیر خواندن آن به صورت دقیق است. این مرحله دارای اهمیت فراوانی است و بهتر است در دو نوبت به عمل آید.

۲-۱. خوانش نخست: هدف از این خوانش که باید به سرعت انجام پذیرد شناسایی رأی مورد تفسیر است. به دنبال این خوانش باید مطالب زیر فهمیده شود: موضوع رأی، مسائل حکمی، راه‌حل‌ها، قسمت‌های مختلف ساختار رأی شامل امور موضوعی، دلایل

1. Jacque Ghestin, Gilles Goubeaux, *Op.cit.*, pp. 485-486, n. 523.

2. Arrêts de Principe.

3. Jacque Ghestin, Gilles Goubeaux, *Op.cit.*, p. 446. N. 478.

4. Arrêts de Règlement.

طرفین، توجیحات تصمیم و مفاد حکم. انجام کارهایی که باید در این مرحله صورت گیرد ممکن است ساده و سریع به نظر برسد ولی همواره چنین نیست. قبل از همه، رأی ممکن است به لحاظ امور موضوعی بسیار پیچیده باشد به نحوی که تشخیص مسائل اساسی را دشوار کند. در این صورت باید نمای کلی این امور به صورت جداگانه ترسیم شود. رأی همچنین ممکن است امور حکمی متعددی را مطرح کند که در این صورت تعیین اهمیت هر امری ضرورت خواهد داشت. بدین منظور پیشنهاد می‌شود امور فرعی از امور اصلی تفکیک شود. به عنوان مثال، اگر رأی مورد تفسیر مرکب از دو مسئله حکمی است که به طور همزمان متضمن اعمال رویه قضایی موجود و چرخش در رویه قضایی موجود است، در این صورت باید مسئله‌ای که موضوع چرخش است مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

۲-۲. **خوانش دوم:** این خوانش باید عمیق‌تر از خوانش اول باشد تا بتوان بر اساس آن فیشی تهیه کرد که به ساختمان پلان تفسیر و در نهایت تفسیر به معنای خاص منجر شود. این نوبت از خوانش را «مداد در دست» می‌گویند زیرا مفسر باید زیر قسمت‌های مهم خط کشیده، در حاشیه آن یادداشت کند و در نهایت خلاصه‌ای از تمامی داده‌های مهم رأی را که باید به صورت نمودار ترسیم می‌شود استخراج کند.<sup>۱</sup>

### ب) تهیه فیش رأی

تهیه فیش رأی، گام مهمی در تفسیر یک رأی محسوب می‌شود. منظور از فیش رأی، سیاهه‌ای است که در آن اجزای مختلف یک رأی استخراج شده و می‌تواند حاوی نکات زیر باشد: معرفی کلی موضوع، بیان عناصر دادرسی، توضیح امور موضوعی، توصیف حقوقی، امور حکمی و توجیحات رأی. البته این فهرست جنبه تمثیلی دارد و می‌توان موارد دیگری نظیر ساختار رأی و توجیحات (دلایل و استدلال‌های طرفین) و... را به آن افزود. هر یک از داده‌های یاد شده می‌تواند در یک فیش جداگانه شبیه فیش‌هایی که در سایر پژوهش‌ها تهیه می‌شود یادداشت شود. در زیر به مطالعه محتوای هر یک از مواردی که باید در فیش رأی ذکر شود می‌پردازیم:

1. Isabelle Defrénois-Souleau, Je Veut Réussir Mon Droit, Méthode de Travail et Clés du Succès, Armand COLIN, 3<sup>ème</sup> éd. 1998. P. 106.

### ۱. معرفی کلی موضوع<sup>۱</sup>

منظور از معرفی کلی موضوع، طرح فایده موضوع رأی یا تصمیم قضایی و نشان دادن به روز بودن یا اهمیت آن است. این معرفی می‌تواند اجزای مختلفی داشته باشد:

۱-۱. تشریح موضوع با حرکت از کل به جزء: به هر حال موضوع باید تا سطر پنجم از بند اول معرفی شود. به عنوان مثال زمانی که رأی مورد تفسیر در خصوص خیار تأخیر تادیه ثمن است، توضیحات از خیاراتی که در بیع قابل اعمال است شروع و به خیار تأخیر تادیه ثمن منجر شود یا در مسائل کیفری وقتی که سرقت مشدد موضوع رأی است توضیحات می‌تواند از انواع سرقت شروع و به سرقت مشدد ختم شود.

۲-۱. اشارات ادبی یا حقوقی<sup>۲</sup>: یعنی نقل قول از نویسندگان یا حقوقدان مشهور که می‌تواند با توصیف یکی از اصطلاحات به کار رفته در رأی مرتبط باشد.

مثال: یک حق جز در قلمرو اجتماعی که زادگاه آن است وجود ندارد و ادامه پیدا نخواهد کرد. حقوق هر ملتی ویژگی‌های تاریخی دارد که آنرا در مقابل حقوق سایر ملتها قرار می‌دهد. (ژان کربونیه<sup>۳</sup>، ۱۹۶۹، یادداشت‌ها، ۱۱۷۹)<sup>۴</sup>

۳-۱. ارجاعات به مسائل روز یا مسائل اجتماعی<sup>۵</sup>: نظیر ارجاع به آمارهای مرتبط با تعداد طلاق‌ها زمانی که رأی مورد بحث در مورد طلاق است، یا اشاره به تعداد زندانیانی که به دلیل عدم پرداخت مهریه زندانی شده‌اند در موردی که رأی در خصوص حبس نتیجه عدم پرداخت مهریه است یا اشاره به میزان تصادفات رانندگی در کشور در مقایسه با سایر کشورها زمانی که رأی موضوع تفسیر در خصوص مسئولیت مدنی یا کیفری ناشی از تصادفات رانندگی است.

۴-۱. معرفی تاریخی موضوع<sup>۶</sup>: یعنی اشاره به پیشینه موضوع و یا تحولاتی که از زمان قانونگذاری در خصوص موضوع صورت گرفته است. به عنوان مثال، هنگامی که رأی راجع به رهن اموال غیرمادی است اشاره به پیشینه فقهی و تحولات قانونگذاری در این

1. Présentation Générale

2. Allusion Littéraire ou Juridique

3. Jean Carbonnier

4. Raymond Verdier, « Une Approche Ethno-Anthropologique du Juridique, in Regards sur le Droit, Sous la Direction de François Terré, Dalloz, 2010. p. 201.

5. Réflexion D'actualité ou Référence Sociologique

6. Présentation Historique

زمینه یا در موردی که رأی راجع به مرور زمان در موضوعات کیفری است، اشاره به پیشینه نهاد مرور زمان در حقوق ایران و تحولاتی که از سال ۱۳۵۸ به بعد در این زمینه صورت گرفته است. یادآوری این نکته ضرورت دارد که با توجه به سلیقه و میزان معرفت تفسیر کننده، انتخاب بین چهار جزء پیش گفته اختیاری است و شخص می تواند در معرفی موضوع رأی یا تصمیم به یک یا همه این چهار مورد بپردازد.

## ۲. توصیف عناصر آیین داری<sup>۱</sup>

در این قسمت تمامی عناصر مؤثر در دادرسی به کامل ترین شکل باید بیان شود و به

پنج پرسش زیر پاسخ داده شود:

- مدعی (خواهان یا شاکی) کیست؟
- مدعی علیه (خوانده یا مشتکی عنه) کیست؟
- تاریخ طرح دعوا؟
- خواسته یا ادعا چیست؟
- مبنای حقوقی خواسته یا ادعا چیست؟

مثال: در تاریخ ۱۳۹۱/۶/۱۵ آقای (الف) دعوی را به طرفیت خانم (ب) به خواسته مطالبه ثمن معامله به مبلغ ..... ریال بر مبنای ماده ... قانون مدنی طرح کرده است.<sup>۲</sup> به این عناصر می توان دلایل ابرازی طرفین و دعاوی طاری در صورت موجود بودن نظیر دعوای متقابل، دعوای جلب شخص ثالث یا دعوای ورود شخص ثالث را نیز افزود. در تفسیر آراء باید مشخص شود آیا دعوای خواهان در مرجع بدوی<sup>۳</sup> مورد پذیرش قرار گرفته یا مردود اعلام شده است. در صورتی که رأی صادر شده اصولاً قابل تجدیدنظرخواهی نبوده باید

### 1. Description de la Procédure

۲. در حقوق ایران برخلاف حقوق فرانسه، خواهان دعوای مدنی تکلیفی به ذکر مبنای حقوقی ادعای خود ندارد. با این همه، در صورتی که این مبنا در دعوای مورد تفسیر ذکر شده باشد نقد پاسخ طرف دعوا به آن و تصمیم قاضی در این زمینه می تواند برای تفسیر رأی ارزشمند باشد.

۳. این دادگاهها در حقوق ایران، در دعاوی مدنی عبارتند از شوراهای حل اختلاف (که به دلیل شناسایی صلاحیت نسبی برای این مرجع در دعاوی حقوقی می تواند عنوان مرجع بدوی به خود بگیرد)، دادگاههای عمومی و در مورد دعاوی که مستقیماً در مرحله تجدیدنظر قابل طرح باشند دادگاه تجدیدنظر استان و در دعاوی کیفری، دادگاه عمومی کیفری و دادگاه کیفری استان.

عنوان شود. همچنین در صورتی که رأی بدوی قابل تجدیدنظرخواهی بوده و تجدیدنظرخواهی به عمل آمده باید تصمیم مرجع تجدیدنظر در قبول<sup>۱</sup> یا رد<sup>۲</sup> تجدیدنظرخواهی ذکر شود. در صورتی که تصمیم دیوان عالی کشور مورد تفسیر باشد در حقوق ایران (همانند حقوق فرانسه)، دیوان یا فرجام‌خواهی را می‌پذیرد<sup>۳</sup> یا آن را رد<sup>۴</sup> می‌کند. در صورتی که فرجام‌خواهی مورد قبول قرار گیرد رأی فرجام‌خواسته نقض و موضوع برای رسیدگی مجدد به مرجع هم‌عرض ارسال می‌شود و در صورتی که فرجام‌خواهی مردود اعلام شود رسیدگی خاتمه پیدا می‌کند. این امکان نیز وجود دارد که دیوان عالی کشور به دلیل نقضی که در رسیدگی مرجع تالی وجود دارد پرونده را برای رفع نقص به مرجع صادرکننده رأی فرجام‌خواسته اعاده کند. در مواردی که رأی فرجام‌خواسته نقض و به مرجع هم‌عرض ارسال می‌شود این مرجع ممکن است تصمیم دیوان عالی کشور را بپذیرد یا نپذیرد یا رأی سومی بدهد که در دو مورد اخیر حسب مورد با رأی اصراری مرجع تالی و دیوان عالی کشور روبرو خواهیم بود که به دلیل رفت و برگشت‌ها بین دیوان و مراجع تالی می‌تواند از ارزش پیشنهادی قضایی برخوردار باشد.

همان‌طور که گفته شد آرائی که از سوی هیأت عمومی دیوان عالی کشور صادر می‌شوند از حیث پیشنهادی‌های قضایی می‌تواند ارزشمند باشد زیرا از سوی تمامی قضات دیوان عالی کشور اعم از حقوقی و کیفری و در مواردی اتخاذ می‌شود که در موضوع واحد آراء متفاوتی از سوی مراجع مختلف صادر شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### ۳. توضیح مسائل موضوعی<sup>۵</sup>

همان‌طور که می‌دانیم، در یک جمله و به بیانی ساده، رأی عبارت است از تطبیق حکم بر موضوع و بیان نتیجه حاصل از این تطبیق با ارائه راه حلی حقوقی. بنابراین در هر رأیی توضیح مسائل موضوعی که منجر به اعمال قاعده حقوقی می‌شود ضرورت دارد. در واقع، از ورای توضیح مسائل موضوعی است که متناسب بودن یا نبودن قاعده حقوقی اعمال شده

1. Confirme
2. Infirme
3. Rejette le Pourvoi
4. Accueille le Pourvoi
5. Description des Faits.



ارزیابی می‌شود. در توصیف مسائل موضوعی می‌توان گفت مسائلی هستند که خواهان در امور مدنی و شاکی و دادسرا در امور کیفری تلاش می‌کنند و باید آن را اثبات کنند. به‌عنوان مثال در دعوی تخلیه مورد اجاره، وجود رابطه استیجاری و موجود بودن سبب تخلیه (انقضای مدت، انتقال به غیر و...) و در دعوی کلاهبرداری به کارگیری وسایل متقابلانه و فریبکارانه و نتیجه مجرمانه بردن مال غیر از مسائل موضوعی است که بار اثبات دلیل آنها بر دوش مدعیان است.

در توضیح مسائل موضوعی باید شرح ماقوع به طور خلاصه ذکر شود به نحوی که از ورای آن امور موضوعی قابل کشف و درک باشد. بدین منظور می‌توان از جدولی که به طور مشخص حاوی وقایع و تاریخ هر یک از واقعه‌ها است استفاده کرد. نکته مورد اختلاف در زمینه طرح مسائل موضوعی این است که آیا باید به شرح موضوعات به طور کلی پرداخت یا به شرح موضوعاتی که قاعده حقوقی اعمال شده در مورد آنها مورد نقد است و هدف از تفسیر رأی را تشکیل می‌دهد بسنده کرد؟ پاسخ مستقیم به این پرسش دشوار است. در واقع، باید حسب مورد و با توجه به آنچه به‌طور مشخص موضوع نقد و تفسیر است راجع به موضوعاتی که باید تشریح شود تصمیم‌گیری کرد. آنچه مسلم است باید از بیان موضوعات و شرح وقایعی که با قاعده حقوقی مورد نقد و تفسیر بی‌ارتباط است یا تأثیر آن در قاعده حقوقی اعمال شده بسیار ناچیز است اجتناب شود. آنچه اهمیت دارد این است که امکان درک و فهم تفسیر از ورای مسائل موضوعی توصیف شده ممکن شود.

مثال: در تفسیری که توسط یکی از حقوقدانان شناخته شده فرانسوی در زمینه مالکیت فکری از رأی شعبه اول مدنی دیوان کشور فرانسه مورخ ۶ مارس ۱۹۷۶ راجع به لزوم احراز شرط اصالت در آثار ادبی و هنری به عمل آمده مسائل موضوعی در چند سطر و به شرح زیر تشریح شده است:

«موضوعات: معماری، طراحی یک منزل مسکونی را به حساب شرکت دیگری انجام می‌دهد و در مقابل سه درصد از قیمت کارهای ساختمانی هر ویلای ساخته شده بر اساس طراحی خود را به عنوان کمیسیون دریافت می‌کند. شرکت آمر با تصفیه قضایی مواجه می‌شود ولی شخص مأمور فروش ویلاها، شرکت جدیدی تشکیل می‌دهد و شرکت اخیر ویلاهای جدیدی بر اساس طرح‌هایی که به حساب شرکت در حال تصفیه تدوین شده بود می‌سازد. معمار طراح مدعی می‌شود که استفاده از این طرح‌ها بدون اجازه وی صورت

گرفته است که باید شبیه‌سازی تلقی شود و بر این اساس جبران خسارت وارد شده به خود را مطالبه می‌کند. دادگاه تجدیدنظر شهر «نیم»<sup>۱</sup> رأی بدوی حاکی از وجود شبیه‌سازی را تأیید می‌کند. دادگاه بدوی استدلال کرده بود که نمی‌توان در مورد ویژگی‌های هنری، هماهنگ بودن و راحت بودن طراحی‌ها که ماهیتی کاملاً ذهنی دارند و می‌توان تفسیرهای مختلف و حتی متناقضی از آن داشت، قضاوت ارزشی کرد. فرجام‌خواهی از رأی دادگاه تجدیدنظر شهر «نیم» بر فقدان تحقیقات (از سوی قضات تالی) در مورد اصالت یا عدم اصالت طرح‌های موضوع دعوا استوار است.<sup>۲</sup>

همان‌طور که ملاحظه می‌شود توضیحات راجع به موضوعات هر چند خیلی خلاصه باشد ولی بسیار مفید است و عناصر موضوعی لازم برای تفسیر رأی را در خود دارد. از توضیحات داده شده به سادگی معلوم می‌شود موضوع دعوا شبیه‌سازی طرح‌های معماری بدون اجازه پدیدآورنده بوده است و قضات تالی با احراز شبیه‌سازی و با ذکر اینکه در حمایت از آثار فکری درجه هنری و ویژگی‌های اثر نباید مورد توجه قرار گیرد، حکم به جبران خسارات وارد شده به معمار طراح داده‌اند. اعتراض فرجام‌خواه به این آراء این است که دادگاه‌های تالی در مورد اینکه آیا طرح‌های مورد بحث از اصالت که - شرط اصلی حمایت از آثار ادبی و هنری است - برخوردار بوده‌اند یا خیر، تحقیق نکرده‌اند.

#### ۴. توصیف حقوقی

منظور از توصیف، قراردادن برخی از امور موضوعی در مقوله‌های حقوقی است تا از این طریق نظام حقوقی قابل اعمال بر آن شناخته شود. به عنوان مثال، در موردی که بانک وامی را در اختیار شخصی برای خرید خانه قرار می‌دهد و از وام‌گیرنده می‌خواهد ضامنی معرف کند تا پرداخت آن را در سررسید متقبل شود، در اینجا تعهد ثالث در قبال بانک به لحاظ حقوقی عقد ضمان نامیده می‌شود. در حقوق ایران ماده ۶۹۸ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «بعد از اینکه ضمان به طور صحیح واقع شد ذمه مضمون‌عنه بری و ذمه ضامن مشغول می‌شود.» در این مورد، تعهد ثالث در قبال طلبکار به لحاظ حقوقی به عقد ضمان مربوط می‌شود. مرتبط کردن این تعهد با مقوله حقوقی عقد ضمان، در واقع توصیف این

1. Nimes

2. Michel Vivant (sous la Direction de), Les Grands Arrêts de la Propriété Intellectuelle; Dalloz 2004, p. 113.

وضعیت حقوقی است. این توصیف در حقوق ایران منجر به اعمال نظام حقوقی ضمان به نحو مقرر در مواد ۶۹۸ به بعد قانون مدنی می‌شود. در این زمینه به موجب همان قانون، ضامنی که بدهی بدهکار اصلی را پرداخته، می‌تواند به شخص اخیر (مضمون‌عنه) رجوع کند. این نتیجه یکی از ده‌ها نتیجه‌ای است که از عقد ضمان ناشی شود.

### ۵. توضیح امور حکمی

در هر رأی دیوان عالی کشور به یک یا چند مسئله حکمی پاسخ داده می‌شود که ناشی از مشکلات اعمال یک قاعده حقوقی بر یک وضعیت حقوقی مورد نظر است. در حقوق فرانسه در موردی که شخصی به طور ناگهانی گنجی را در مال منقول متعلق به دیگری پیدا می‌کند دو مسئله حکمی مطرح است. اول اینکه آیا یابنده می‌تواند مالکیت نصف این گنج را به نحو مقرر در بند ۱ ماده ۷۱۶ قانون مدنی فرانسه مدعی شود در حالی که این ماده مربوط به گنج‌های نهفته در اموال غیرمنقول است؟ اگر پاسخ مثبت باشد مسئله دوم این است که آیا ضرورت دارد مال منقول، هنگام کشف گنج در مال غیرمنقول مالک یافت شود تا بند ۱ ماده ۷۱۶ قابلیت اعمال پیدا کند؟ در اینجا دیوان عالی کشور فقط باید به این دو مسئله پاسخ دهد.

### ۶. توجیحات رأی<sup>۱</sup>

این بخش از تصمیم دیوان که عمدتاً در ساختار آراء منجر به نقض رأی فرجام‌خواسته به کار می‌رود نقش اساسی در تفسیر آن دارد. زیرا در حقیقت آنچه به طور مشخص مورد نقد و تحلیل قرار دارد استدلال‌های دیوان برای نقض رأی فرجام‌خواسته است. توجیحات در مفهوم وسیع کلمه حمایت عقلانی از استدلال‌های مطرح شده توسط اصحاب دعوا و قضات تالی است که فقدان آنها در رأی مورد اعتراض می‌تواند به نقض آن در دیوان منجر شود.<sup>۲</sup> در اینجا منظور آن فصل از رأی دیوان است که ناظر بر مباحث حقوقی راه حل ارائه شده توسط دیوان یا توجیحاتی است که دیوان برای نقض رأی فرجام‌خواسته به کار می‌برد و گاه می‌توان آن‌را به توجیحات فرعی و اصلی تقسیم کرد.

1. Motifs

2. Serge Guinchard et Gabriel Montagnier, *Lexique des Termes Juridiques* (sous la Direction de Raymond Guillien et Jean Vicent), Dalloz, 2001. P. 370.

مثال(در دعوی مرتبط با تکلیف اطلاع‌رسانی پزشک):

**توجیهات فرعی:** نظر به اینکه در جریان کولونوسکپی از طریق نمونه‌برداری توسط دکتر کوزن، آقای هدرئول مبتلا به پارگی روده شده و در دعوی مطروحه علیه این پزشک مدعی شده است که پزشک از خطرات پارگی در جریان چنین عملی او را آگاه نکرده است و دادگاه تجدیدنظر ادعای آقای هدرئول را مردود شناخته است با این توجیه که او می‌باید دلیل عدم اطلاع‌رسانی توسط پزشک را ارائه کند و مدعی نتوانسته هیچ‌گونه دلیلی که نظریه او را به اثبات برساند ارائه کند؛

**توجیهات اصلی:** نظر به اینکه دادگاه تجدیدنظر با چنین تصمیمی، در حالی که پزشک متعهد به تعهد ویژه اطلاع‌رسانی در قبال بیمار خویش است و در نتیجه بار اثبات دلیل اینکه به تعهد خود عمل کرده بر دوش پزشک قرار دارد، حکم قانونی یاد شده را نقض کرده، با این توجیهات و بدون اینکه نیازی به تصمیم‌گیری در دو مورد دیگر باشد؛

«رأی متخذة توسط دادگاه تجدیدنظر رن<sup>۱</sup> در تاریخ ۵ ژوئیه ۱۹۹۴ بین طرفین را نسبت به تمامی جهات آن نقض و ابطال می‌کند و در نتیجه موضوع دعوا و طرفین را در وضعیتی قرار می‌دهد که قبل از رأی فرجام‌خواسته بوده‌اند و برای اتخاذ تصمیم آن‌را به دادگاه تجدیدنظر آنژ<sup>۲</sup> احاله می‌کند.»

در مثال بالا قسمت آخر تصمیم دیوان، مفاد و مضمون تصمیم<sup>۳</sup> نامیده می‌شود و در واقع نتیجه حقوقی راه‌حل ارائه شده است که بر توجیهات به عمل آمده (فرعی و اصلی) استوار است.

### ج) تفسیر به معنای خاص

تفسیر آراء قضایی به معنای خاص که قسمت مهم و ارزشمند یک تفسیر را تشکیل می‌دهد باید بر اساس عناصری که در فیش رأی گردآوری می‌شود و در گفتار پیشین توضیح داده شد صورت گیرد. با این همه، باید بین مواردی که این تفسیر توسط حقوقدانان (قضات، وکلای دادگستری و استادان حقوق) صورت می‌گیرد با مواردی که به عنوان تکلیف از دانشجویان حقوق خواسته می‌شود و جنبه آموزشی دارد قائل به تفکیک شد. در مورد اول، عموماً به ذکر مشخصات رأی، متن رأی مورد تفسیر، بیان امور موضوعی و نقد

1. Rennes  
2. Angers  
3. Dispositives

رأی بر اساس پلانی که توسط مفسر تهیه خواهد شد بسنده می‌شود. ولی زمانی که هدف آموزش روش تفسیر آراء به دانشجویان حقوق است باید قبل از تفسیر به معنای خاص فیش رأی هم ضمیمه شود تا نحوه جمع‌آوری داده‌های مرتبط با رأی مورد تفسیر و میزان تسلط دانشجویان در این زمینه مورد ارزیابی قرار گیرد. البته در مورد حقوقدانان نیز لازمه تفسیر صحیح و موفقیت‌آمیز رأی یا تصمیم قضایی تهیه فیش رأی توسط مفسر است، با این تفاوت که در چاپ و نشر تفسیری که توسط این گروه از مفسران به عمل می‌آید ضمیمه کردن فیش رأی مورد تفسیر ضرورت ندارد.

در تفسیر رأی به معنای خاص بدون توجه به مفسر آن، از یک سو محتوای تفسیر، از سوی دیگر، پلان تفسیر و سرانجام، شیوه تدوین تفسیر مورد توجه قرار گیرد.

### ۱. محتوای تفسیر

منظور از محتوای تفسیر مطالبی است که اصولاً ذکر آنها در یک تفسیر (به معنای خاص) ضروری تشخیص داده می‌شود. در زیر به مواردی که توجه به آنها از سوی مفسر اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد اشاره می‌شود:

۱-۱. **عنوان تفسیر:** این عنوان همانند عنوان مقالات علمی باید به صورت تیترویی در ابتدای متن تفسیر و با حروف بزرگتر از سایر قسمت‌های متن به صورت سیاه شده (بولد شده) ذکر شود. در تعیین این عنوان باید از توصیف حقوقی رأی مورد تفسیر که در فیش رأی (قسمت ب) در مورد آن توضیح داده شد استفاده شود.

مثال‌ها - ۱. خاتمه قرارداد کار به دلایل شخصی ۲. تکلیف اطلاع‌رسانی پزشک به بیمار ۳. قراردادهای ناظر بر اختراع - قرارداد ليسانس (حق بهره‌برداری)

۱-۲. **کلمات کلیدی:** این کلمات به همان شکل که در مقالات علمی مرسوم است باید انتخاب و در اندازه‌ای کوچکتر از موضوع و به صورت سیاه (بولد) نوشته شود، با این تفاوت که در مقالات علمی، کلمات کلیدی در پایان چکیده ذکر می‌شوند ولی در تفسیر رأی این کلمات باید بلافاصله پس از عنوان تفسیر و در زیر آن بیاید، بعلاوه در اینجا قید عبارت «کلمات کلیدی» ضروری نیست.

مثال - در موردی که عنوان تفسیر، قراردادهای ناظر به حق اختراع است، کلمات زیر می‌تواند کلمات کلیدی محسوب شود: پروانه اختراع، قرارداد ليسانس (حق بهره‌برداری)،

تکلیف بهره‌برداری، بهره‌برداری «کامل». در صورتی که رأی مورد تفسیر به طور مشخص در خصوص یک مقرر قانونی یا یک اصل حقوقی باشد ماده مورد استناد یا اصل حقوقی مورد نظر نیز می‌تواند به سایر کلمات کلیدی اضافه شود.

۱-۳. مشخصات و تاریخ رأی مورد تفسیر و مرجع صادر کننده رأی: این مشخصات نیز به راحتی از فیش رأی، قابل انتقال به متن تفسیر نهایی است.

مثال- دادنامه شماره ۲۵۳ مورخ ۲۲ آبانماه ۱۳۹۱ شعبه ۴ دیوان عالی کشور

- ذکر آن قسمت از رأی که متضمن راه حل حقوقی اعمال شده توسط دیوان (دادگاه) است: این قسمت از اهمیت فراوانی برخوردار است زیرا هدف از تفسیر رأی، نقد و تحلیل راه حل ارائه شده توسط رأی مورد تفسیر است. ذکر این نکته ضرورت دارد که ممکن است در این قسمت به بیان خلاصه یک رأی اکتفا نشود و خلاصه آراء دیگری هم که در آنها راه‌حل‌های مشابهی اتخاذ شده ذکر شود.

مثال- «هر اختراعی باید دارای ماهیت فنی باشد: این اختراع باید متضمن راه حلی فنی در خصوص یک مسئله فنی باشد، در عرصه صنعت قابل استفاده بوده بتواند بدون تلاش فوق‌العاده‌ای تکثیر شود. (تصمیم مورخ ۸ دسامبر ۱۹۹۴، اداره اروپایی اختراعات)»

۱-۴. منبع رأی مورد تفسیر: رأیی که موضوع نقد قرار دارد ممکن است برای اولین بار در روزنامه رسمی کشور، مجموعه آراء دیوان عالی کشور یا دیوان عدالت اداری یا مجلات علمی- پژوهشی یا علمی- ترویجی یا در یک پایان‌نامه منتشر شده باشد. در هر صورت، ارجاع به رأی مورد تفسیر باید همانند ارجاعات در مقاله‌ها و نوشته‌های علمی و پژوهش‌های حقوقی صورت گیرد که به دلیل بدیهی بودن نیازی به ذکر مثال نیست.

۱-۵. مشخصات اجمالی طرفین دعوا: این قسمت نیز قبلاً در فیش رأی توسط مفسر تهیه شده و فقط باید به متن تفسیر اضافه شود.

۱-۶. تشریح امور موضوعی تحت عنوان «موضوعات»: در مورد اهمیت این بخش از تفسیر در قسمت (ب) سخن رفت. مثالی که در این خصوص ذکر شد می‌تواند مورد توجه مخاطبان محترم قرار گیرد. به هرحال از آنجا که مفسر قبلاً در فیش رأی امور موضوعی را از رأی مورد تفسیر استخراج کرده به راحتی می‌تواند آن را به تفسیر انتقال دهد.

۱-۷. متن کامل رأی یا خلاصه آن: معمولاً در تفسیرهایی که توسط حقوقدانان فرانسوی از آراء قضایی به عمل می‌آید علاوه بر ذکر راه حل حقوقی ارائه شده توسط مرجع قضایی در آغاز تفسیر، متن کامل رأی یا تصمیم مورد تفسیر یا خلاصه‌ای از آن نیز پس از تشریح

امور موضوعی بیان می‌شود. این قسمت از تفسیر می‌تواند به مخاطب در درک بیشتر و بهتر مجموع عناصر رأی کمک کند. بعلاوه متن رأی حاوی دفاعیات و استدلال‌های طرفین دعوا نیز به مخاطب امکان می‌دهد با توجه به سایر عناصر رأی، کیفیت تفسیر از سوی مفسر را ارزیابی کند. از آنجا که به طور معمول آراء صادر شده از مراجع قضایی ایران حتی تصمیمات دیوان عالی کشور کوتاه است، می‌توان آن را به طور کامل در تفسیر ذکر کرد. با این همه، ذکر متن رأی یا خلاصه آن ذکر راه حل ارائه شده توسط رأی مورد تفسیر را که بیشتر توضیح داده شد منتفی نمی‌کند.

۸-۱ مقدمه تفسیر: این قسمت از تفسیر که در حقوق فرانسه از آن به «ملاحظات»<sup>۱</sup> یاد می‌شود دارای اهمیت فراوانی است. مقدمه تفسیر با «مقدمه» در مقالات علمی قابل مقایسه است. هدف از بیان مقدمه همانند سایر مقالات و مطالب علمی آماده کردن مخاطب از نظر روانی برای ورود به بحث اصلی است. در این قسمت از تفسیر، مفسر می‌تواند در تهیه مقدمه از آنچه در فیش رأی (قسمت ب) تحت عنوان «معرفی کامل موضوع» تهیه کرده کمال استفاده را بکند. بدین ترتیب مفسر می‌تواند مقدمه را در صورت لزوم با اشارات ادبی یا حقوقی شروع کرده، به مسائل روز یا مسائل اجتماعی مرتبط با موضوع اشاره کند، توجه خوانندگان را به پیشینه موضوع تصمیم یا رأی جلب کند و یا اهمیت رأی در تحول رویه قضایی یا احیاناً عدم انطباق آن با مقررات قانونی یا انطباق آن با مقتضیات اجتماعی و اقتصادی را یادآور شود. مقدمه تفسیر با اعلام بخش‌های اصلی تفسیر یا پلان تفسیر پایان می‌پذیرد که با توجه به اهمیت آن در ادامه و در بند ۲ به طور جداگانه به آن خواهیم پرداخت.

۹-۱ قسمت اصلی تفسیر در چارچوب فهرست مطالب یا پلان اعلامی: این قسمت از تفسیر محصول تلاش فکری مفسر است که در آن دیدگاه وی در خصوص رأی مورد تفسیر در چارچوب پلانی که در مقدمه اعلام شده نگاشته می‌شود. بدون تردید این قسمت از تفسیر مهمترین قسمت آن است و هدف نهایی از تفسیر را تشکیل می‌دهد.

۲. پلان تفسیر: کنفوسیوس گفته است که وی بیشتر از آنچه به دنبال پاسخ‌ها باشد به دنبال پرسش‌های خوب بوده است. بنابراین خیلی مهم است که در تفسیر یک رأی پرسش‌های خوبی مطرح کنیم و تفسیر را در حول مسئله‌های اساسی مرتبط با موضوع دعوا

سازمان دهیم. وقتی که مسئله‌ها به خوبی مطرح شوند به طور طبیعی می‌تواند به طرح یک پلان مناسب منجر شود. در حقوق فرانسه مرسوم است که پلان در دو قسمت یا دو فصل طرح می‌شود که هر کدام از قسمت‌ها یا فصل‌ها می‌تواند خود دارای دو فصل فرعی باشد. البته طرح پلان در دو فصل الزامی و غیرقابل اجتناب نیست و به ندرت هماهنگی در طرح موضوعات ممکن است طرح پلان در سه فصل را ایجاد کند. بین دو فصل باید ارتباط و هماهنگی وجود داشته باشد نه اینکه یکی به دیگری اضافه شود. این نکته در مورد زیرفصل‌ها نیز صدق می‌کند. پلان باید طوری باشد که با توجه به مسئله اصلی دو فصل آن با توجه به مسئله اصلی و همچنین زیرفصل‌ها با توجه به عنوان فصل دارای ارتباط منطقی باشد. معمولاً توصیه می‌شود از طرح پلان‌های پیچیده خودداری شود، زیرا ساده‌ترین پلان‌ها اغلب بهترین هستند. به عنوان مثال، در صورتی که رأی مورد تفسیر ناظر به طلاق خلع باشد عنوان قسمت اول پلان می‌تواند «مفهوم و شرایط طلاق خلع» و قسمت دوم «آثار و احکام طلاق خلع» باشد. یا در صورتی که رأی موضوع تفسیر اختیارات بازپرس در تحقیقات مقدماتی باشد، پلان تفسیر می‌تواند به صورت تاریخی تنظیم شود. در این صورت قسمت اول «اختیارات بازپرس قبل از قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۷۸» و قسمت دوم «اختیارات بازپرس بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۷۸» باشد.

عناوین فصل‌های پلان و زیرفصل‌ها باید کوتاه (ترجیحاً کمتر از ده کلمه) و به قدر کافی کلی باشد که بتواند محتوای فصل را در برگیرد. به ویژه باید از جمله‌بندی، طرح پرسش و عناوینی که خود، به عناوین مختلف ارجاع می‌دهند پرهیز کرد. در زیر به عنوان مثال، نمونه‌های درست و نادرست از عناوین اصلی پلان تفسیر که ناظر بر استثنای نظم عمومی در اعمال قانون خارجی است ذکر می‌شود:

#### مثال اول - شکل جمله‌ای

- نادرست: «دیوان، استثنای نظم عمومی استنادی توسط همسر را پذیرفته و اعمال قانون خارجی را مردود دانسته است.»

- درست: «رد قانون خارجی به دلیل استثنای نظم عمومی»

#### مثال دوم - شکل پرسشی

- نادرست: «آیا قانون خارجی گزیده شده در نتیجه اعمال قاعده حل تعارض باید با

استثنای نظم عمومی مردود شود؟»

- درست: «عدم اعمال قانون خارجی به دلیل استثنای نظم عمومی؟»



### ۳. شیوه تدوین تفسیر

پس از پیدا کردن پلان مناسب و نوشتن مقدمه باید متن تفسیر نگارش شود. متن تفسیر عمدتاً دو سوم محتوای تفسیر را تشکیل می‌دهد. اگر پلان دو فصل داشته باشد، هر فصل حدوداً باید یک سوم حجم تفسیر را شامل شود. فصل‌ها باید متعادل باشند هر چند تفاوت بیست درصدی در تفاوت بین حجم دو فصل پذیرفته می‌شود. در نگارش یک تفسیر مطالب انتقالی و اعلام پلان‌های واسطه‌ای از اهمیت زیادی برخوردار است. در واقع چنانچه هر فصل از تفسیر دارای زیرفصل‌هایی مثل (الف و ب) باشد همانند فصل‌های اصلی باید اعلام شود. هر فصل و زیرفصل باید با بیان مطالبی که خواننده را برای ورود به فصل یا زیرفصل بعدی آماده می‌کند خاتمه یابد. در انتهای هر فصل می‌توان نتیجه همان فصل را نیز در پایان ذکر کرد ولی نتیجه‌گیری در پایان زیرفصل‌ها یا قسمت‌های جزئی‌تر معمول نیست. مثل سایر پژوهش‌های حقوقی، تفسیر آراء می‌تواند متضمن ارجاعاتی باشد. این ارجاعات ممکن است از یک سو مربوط به عناصر موضوعی یا حکمی رأی مورد تفسیر و از سوی دیگر مربوط به رویه قضایی یا دکتترین باشد. بدیهی است در مورد ارجاع به سایر آراء قضایی یا دکتترین باید نشانی و آدرس دقیق آن به گونه‌ای که در هر پژوهش علمی مرسوم است درج شود.

برای انجام یک تفسیر مناسب، مفسر نه تنها باید آشنایی کامل با مبانی حقوقی موضوع رأی مورد تفسیر داشته باشد بلکه باید توجیحات قاضی را درک کند. اگر مفسر به رویه قضایی در زمینه رأی مورد تفسیر آشنا نباشد نمی‌تواند متوجه شود آیا این رأی یک چرخش در رویه قضایی در خصوص موضوع محسوب می‌شود یا در مقام تأیید رویه‌های قضایی پیشین است. بعلاوه، اگر مفسر با دکتترین موجود در زمینه رأی مورد تفسیر آشنا نباشد نمی‌تواند ارزیابی کند آیا رأی مورد بحث تحت تاثیر دکتترین قرار داشته یا خیر.

در تفسیر آراء قضایی، مفسر باید به برخی پرسش‌ها در زمینه رأی مورد تفسیر پاسخ دهد. از جمله اینکه آیا راه حل اتخاذ شده در رأی مورد تفسیر مناسب هست یا خیر؟ آیا نسبت به راه‌حل‌های قبلی رویه قضایی بهتر یا بدتر است؟ آیا نتایج عملی این راه حل در سایر زمینه‌های حقوق قابل اعمال است یا خیر؟ آیا راه حل انتخابی می‌تواند به راه حلی اصلی در زمینه موضوع دعوا تبدیل شود یا خیر. در پاسخ به این پرسش‌ها از یک سو باید به ویژگی‌های موضوع دعوا یا مسائل موضوعی توجه شود تا امکان مقایسه رأی مورد تفسیر با آرای ناظر به همان موضوع یا موضوعات مشابه ممکن شود. از سوی دیگر، در صورت

لزوم باید محیط اقتصادی و اجتماعی را که رأی را احاطه کرده است معین کرد و نتایج تصمیم قضایی را از این حیث مورد ارزیابی قرار داد.

اگر بخواهیم پرسش‌های فوق را در قالب چارچوب‌های کلی‌تری ارائه دهیم می‌توان رأی مورد تفسیر را از دو منظر مورد بررسی قرار داد:

### ۳-۱. جایگاه تصمیم در حقوق موضوعه

در این خصوص مفسر باید از خود بپرسد آیا تصمیم مورد تفسیر با حقوق موضوعه مطابقت دارد یا خیر؟ به بیان دیگر آیا قواعد و راه‌حل‌های جاری را اعمال می‌کند یا آن را رد می‌کند؟ در صورتی که راه‌حل اتخاذ شده توسط رأی با حقوق موضوعه منطبق نیست پاسخ به پرسش‌های زیر ضرورت خواهد داشت:

- آیا در موردی که رویه قضایی در آن وجود نداشته مشکلی را حل و فصل کرده یا خیر؟
- آیا در زمینه‌های مورد اختلاف موضع‌گیری کرده یا خیر؟
- آیا این تصمیم یک چرخش واقعی در رویه قضایی تلقی می‌شود یا خیر؟ اگر پاسخ مثبت است، این چرخش در چه زمینه‌هایی صورت گرفته است؟<sup>۱</sup>

### ۳-۲. (ارزش رأی)

- آیا رأی شایسته تأیید است یا باید مورد نقد قرار گیرد و به چه دلیلی؟
- استدلال قضات منطقی است یا متضمن تناقض یا نتیجه‌گیری غلط و یا تصادفی است؟
- راه‌حل ارائه شده با دیگر قواعد حاکم بر موضوع هم‌خوانی دارد یا خیر؟
- رأی بر چه اصولی استوار است؟ آیا این اصل، ارزشی مطلق دارد یا باید با سایر قواعد آمره هماهنگ شود؟
- آیا راه حل صحیح، مفید، عملی یا بجاست؟ رأی چه منافعی را ترجیح داده یا از چه منافعی حمایت کرده است؟

۳-۳. ارزش حقوقی رأی: نقش رأی در تحول بعدی رویه قضایی چیست؟ در صورتی که رأی از جمله آراء اصولی است یا چرخشی در رویه قضایی محسوب می‌شود، مفسر باید از خود بپرسد:

- آیا رأی قابل اعمال در تعداد زیادی از موارد است یا خیر؟
- به نتایج حقوقی مهمی منجر می‌شود؟

- قابل تسری به وضعیت‌های حقوقی مشابه هست یا می‌تواند باشد؟  
- آیا آثار فراحقوقی (اقتصادی، اجتماعی یا جامعه‌شناسانه) دارد یا می‌تواند داشته باشد؟  
- راه‌حل پیشنهادی در رأی شکل قانونی به خود گرفته یا می‌تواند بگیرد؟<sup>۱</sup>  
مثال (در دعوی مرتبط با اسباب خاتمه قرارداد کار):

در دعوی‌ایی که در خصوص اسباب خاتمه قرارداد کار در دیوان عالی کشور فرانسه مطرح شده بود موضوع از این قرار بود که حقوق‌بگیری اغلب با چند دقیقه تأخیر به محل کار خود می‌رسید ولی با ترک دیر هنگام محل کار آنرا جبران می‌کرد. از مواد ۱۴-۲-۱۲۲ و ۱۴-۳-۱۲۲ قانون کار فرانسه استنباط می‌شود که حقوق‌بگیر نمی‌تواند به دلایل شخصی از کار اخراج شود مگر اینکه سببی واقعی و جدی وجود داشته باشد. در این دعوی دیوان کشور فرانسه بر این اعتقاد بوده است که این رفتار متضمن خطای سبک بوده و نمی‌توانسته اخراج به دلیل واقعی و جدی تلقی شود. این تصمیم در زمینه حقوق کار و به طور مشخص اسباب خاتمه قرارداد کار صادر شده است. اخراج به دلایل شخصی یکی از این اسباب را تشکیل می‌دهد. قانون ایجاب می‌کند که این سبب واقعی و جدی باشد. آیا تأخیر چند دقیقه‌ای حقوق‌بگیر می‌تواند به تنهایی اخراج به دلیل شخصی را توجیه کند؟ دیوان کشور با پاسخ منفی مفهوم حقوقی سبب واقعی و جدی را تلطیف کرده است.

در خصوص این رأی گفته شده است که مقابله تصمیم دیوان کشور با راه‌حل‌های موجود قطعی نیست زیرا رویه قضایی در این زمینه بسیار غنی است. با این همه، به راحتی می‌توان فایده چنین تصمیم را ارزیابی کرد، زیرا این امکان را فراهم می‌آورد مفهوم دلیل واقعی و جدی به خوبی شناخته شود. در این راستا مشخص می‌شود که خطاهای سبک دلیل واقعی و جدی اخراج محسوب نمی‌شوند. در نتیجه این اخراج ناروا بوده و پرداخت خسارات اخراج را توجیه می‌کند. این رأی با متون قابل اعمال همخوانی دارد و با رویه قضایی حاکم منطبق است.

### نتیجه‌گیری

هدف از این نوشتار ارائه نسخه‌ای غیرقابل‌اجتناب برای تفسیر آراء قضایی نیست. چه بسا که مفسری بدون توجه به آنچه گفته شد نیز بتواند تفسیر ارزشمندی ارائه دهد. با این

1. Isabelle Defrénois-Souleau, *Op.cit.*, pp. 112-118.

حال، تردیدی نیست که رعایت آنچه در خصوص مراحل مختلف تفسیر گفته شد نه تنها اطلاعات لازم در مورد تمامی مسائل و موضوعات مرتبط با تفسیر را در اختیار مفسر قرار می‌دهد، بلکه کار تفسیر را به غایت آسان می‌کند. به عنوان مثال، تهیه فیش رأی که به نوعی می‌توان آنرا کالبد شکافی رأی دانست موجب می‌شود تمامی داده‌های مرتبط با رأی در اختیار مفسر قرار گیرد. هر یک از داده‌های این فیش می‌تواند در تفسیر رأی به کار گرفته شود. از سوی دیگر، توجه به مواردی که باید در تدوین یک تفسیر مدنظر قرار گیرد یا به عبارت دیگر توجه به محتوای تفسیر، به مفسر کمک می‌کند بخش‌های مختلف رأی و محتوای آن را در قالبی علمی در اختیار مخاطبان قرار دهد. نحوه نگارش مقدمه و پلان تفسیر و نیز معیارهایی که در تفسیر رأی باید به آن توجه شود می‌تواند نقش مهمی در شکل‌گیری افکار مفسر و کیفیت تفسیر ایفاء کند.



## فهرست منابع

### فارسی:

– کاتوزیان، ناصر. توجیه و نقد رویه قضایی. تهران: چاپ اول، نشر دادگستر، بهار ۷۷.

### فرانسه:

- Defrénois-Souleau, Isabelle, Je veux réussir mon droit, méthode de travail et clés du succès, Armand COLIN, 3<sup>ème</sup> éd. 1998.
- Ghestin, Jacque, Goubeaux, Gilles, Traité de droit civil, Introduction générale, L.G.D.J., 4<sup>ème</sup> éd. 1994.
- Guinchard, Serge et Montagnier, Gabriel, Lexique des termes juridique (sous la direction de Raymond Guillien et Jean Vicent), Dalloz, 2001.
- Verdier, Raymond, " Une approche ethno-anthropologique du juridique " *in* Regards sur le droit, sous la direction de François Terré, Dalloz, 2010.
- Vivant, Michel ( sous la direction de), Les grandes arrêts de la propriété intellectuelle, Dalloz 2004.

### اینترنتی:

- Analyse et commentaire d'une décision de justice, [www.letudiant.fr/boite-a-docs/telecharger/methodes-d...](http://www.letudiant.fr/boite-a-docs/telecharger/methodes-d...)
- Eléments de méthode du commentaire d'arrêt, danielbert. blogspirit.com /files/Elements\_de\_methode\_du..
- le commentaire d'arrêt, fiches.dalloz-etudiant.fr/methodologie/fiche/23.html?tx
- Marly, Pierre-Grégoire, Le commentaire d'arrêt, [www.wkf.fr/pdf/revuediplome/Methodo\\_DIP3\\_1.pdf](http://www.wkf.fr/pdf/revuediplome/Methodo_DIP3_1.pdf)
- M. Coulibaly (cours de), Droit administratif, Méthodologie, commentaire d'arrêt, cours de fr.scribd.com/doc/...commentaire-d-arret-Droit-Administratif
- Méthode du commentaire d'arrêt, <http://droit.wester.ouisse.free.fr/>
- Méthodologie du commentaire d'arrêt (droit civil), <http://www.assas.net/forum/topic/396000-Méthodologie-du-commentaire-d'arrêt-droit-...>



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی